

بررسی رابطه بین آموزش کارآفرینانه معلم (اهداف، محتوا، ضرورت، شیوه و محیط آموزشی) با روحیه کارآفرینانه

دانش آموزان متوسطه شهر تهران

مهرچشم روشن*، الهام سینی**، شیمن عبدالمی***، ژیلانوکانی**** و زحرابی‌جمالی*****

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین آموزش کارآفرینانه معلم (اهداف، محتوا، ضرورت، شیوه و محیط آموزشی) با روحیه کارآفرینانه دانش آموزان متوسطه شهر تهران اجرا شد. روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری همه معلمان و دانش آموزان متوسطه شهر تهران بودند که با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای تعداد ۱۰۰ معلم و ۴۰۰ دانش آموز به عنوان نمونه انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌ها، از پرسشنامه استاندارد شده روحیه کارآفرینی دانش آموز و پرسشنامه محقق ساخته آموزش کارآفرینی معلم استفاده شد. از روش‌های ضریب همبستگی پیرسون، t مستقل و تک متغیره و تحلیل واریانس یک طرفه به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شد. یافته‌ها حاکی از آن بود که بین آموزش کارآفرینانه، ضرورت آموزش کارآفرینانه، محتوای آموزش کارآفرینانه، محیط آموزش کارآفرینانه، شیوه‌های آموزش کارآفرینانه با روحیه کارآفرینی دانش آموزان رابطه مثبت و معناداری وجود داشت و تنها مؤلفه اهداف آموزش کارآفرینانه با روحیه کارآفرینی دانش آموزان رابطه معناداری پیدا نکرد؛ وضعیت آموزش کارآفرینی معلمان و روحیه کارآفرینی دانش آموزان و ابعاد آن‌ها در سطح نسبتاً مطلوبی قرار داشتند؛ جنسیت بر میزان روحیه کارآفرینی دانش آموزان تأثیر دارد و میانگین نمره دانش آموزان پسر بیش‌تر از دانش آموزان دختر است؛ در روحیه کارآفرینی دانش آموزان رشته‌های مختلف (ریاضی، انسانی، تجربی) تفاوت معناداری وجود ندارد.

کلید واژه‌ها

آموزش کارآفرینانه؛ روحیه کارآفرینی؛ محیط کارآفرینی؛ محتوای آموزش کارآفرینی؛ روش‌های آموزش کارآفرینی.

* نویسنده مسئول: کارشناس ارشد مدیریت آموزشی دانشگاه خوارزمی تهران

mroshan1389@yahoo.com

** دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران

*** استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه خوارزمی تهران

**** دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران

***** کارشناس پژوهش اداره آموزش و پرورش شهرستان پاکدشت

مقدمه

سالیان متمادی است که اهمیت کارآفرینی در رشد و توسعه اقتصادی کشورهای مختلف جهان و ضرورت پرداختن در نظام آموزش و پرورش به صورت یک واقعیت اجتناب‌ناپذیر مورد تأیید و تأکید قرار می‌گیرد، زیرا در جهانی که شکل تغییرات آن از مقیاس زمان قرن به ثانیه تبدیل شده است، مهم‌ترین اصل برای سازمان‌ها، بقاء و توسعه است؛ امروزه که کار و فعالیت شکل تازه‌ای به خود گرفته است و به سوی خودکارفرمایی و خوداشتغالی در حرکت است، کارآفرینی و کارآفرینان در روند توسعه و پیشرفت اقتصادی جوامع مختلف نقش کلیدی ایفا می‌کنند (ابراهیمی و محمودی، ۱۳۸۵). تنوع و سرعت تغییرات به حدی است که سرعت بخشیدن به تولید فکر و ارتقاء شیوه تفکر از یک سو و واداشتن نیروهای خلاق و نو از سوی دیگر، به منظور هماهنگی با این تغییرات و تحولات نو اهمیت فراوانی دارد (صمدآقایی، ۱۳۸۵).

رشد سریع جمعیت و افزایش میزان بیکاری، به ویژه در بین فارغ التحصیلان مقطع متوسطه و ظرفیت محدود دانشگاه‌ها در جذب دانش‌آموزان این مقطع تحصیلی، چالش‌هایی است که جامعه ما با آن درگیر است. یکی از عواملی که امروزه می‌تواند چهره اقتصادی، اجتماعی و صنعتی یک کشور را دگرگون کند، کارآفرینی و فعالیت‌های کارآفرینانه، بهره‌مندی از روحیه کارآفرینی و در نهایت انسان کارآفرین است (احمدپورداریانی، ۱۳۸۷).

آموزش و پرورش از جمله سازمان‌هایی است که در هر جامعه‌ای حساسیتی خاص دارد. این حساسیت بیش‌تر به این دلیل است که فعالیت داخلی آن در معرض دید همگان بوده و مورد قضاوت عامه مردم قرار می‌گیرد. از سوی دیگر سیر تغییر و تحولات و پیشرفت‌های اجتماعی نیاز به آموزش و پرورش اثربخش را ضروری می‌کند (حسینی، ۱۳۸۷). از این رو پژوهش‌های مختلف در این حوزه می‌تواند کاستی‌های موجود را مشخص و راه را برای مرتفع ساختن آن هموار کند. مدرسه‌های ما باید پرورش دهنده دانش‌آموزانی باشند که با جرأت و جسارت و تکیه بر انرژی درونی و تلاش و عملکرد خویش از شکست نهراسند، و آن را پلی برای رسیدن به پیروزی بدانند. این خصوصیات زاینده جوی آزاد و مشارکت جویانه و مطلوب و مقصود هزاره جدید میلادی است؛ که در حال حاضر رنگ باخته و دیگر نمی‌توان بر اساس آن برنامه‌ریزی کرد (احمدپورداریانی و عزیزی، ۱۳۸۴). مدرسه به عنوان جامعه‌ای کوچک که

ارتباط اعضای آن با یکدیگر فضای اجتماعی مشخصی را به وجود می‌آورد، باید بتواند در بروز خصایصی چون خلاقیت، خودباوری، آینده‌نگری، ریسک‌پذیری و تمایل به کامیابی (روحیه کارآفرینی) در دانش‌آموزان مؤثر باشد. ایجاد جوّ و فضایی مناسب و مطلوب که زمینه بروز این ویژگی‌ها را فراهم آورد، یکی از وظیفه‌ها و رسالت‌های مسئولان آموزش و پرورش است (کردی، ۱۳۸۴).

در طی تاریخ آموزش و پرورش، معلم همواره ستون و محور تعلیم و تربیت بوده است که گاهی مستقیم و زمانی غیر مستقیم در امر آموزش نقش داشته است (حسینی، ۱۳۸۶). معلمان مهره‌های اصلی توسعه و ترویج کارآفرینی محسوب می‌شوند؛ به گونه‌ای که توسعه کارآفرینی در یک کشور مستلزم آموزش و تربیت معلمان و استادان مجرب کارآفرینی است. اهمیت معلم در اجرای برنامه درسی بسیار زیاد است، اگر برنامه درسی نتواند معلمان را تغییر دهد و آنها را به حرکت در آورد، قهراً هیچ‌گونه تأثیری بر کسانی نخواهد داشت که توسط آنها تعلیم داده می‌شوند. بنابراین، توجه و پژوهش درباره نقش معلم، در زمینه کارآفرینی، آموزش، رشد و پرورش روحیه کارآفرینی فراگیران اهمیت خاصی دارد. معلم به دلیل ایفای نقش خاص خود در کلاس درس می‌تواند دید خاصی را نسبت به کارآفرینی گسترش دهد (آزاد، ۱۳۸۶).

اهداف (آموزش کارآفرینی): در خصوص علل اهمیت آموزش کارآفرینی می‌توان گفت که کارآفرینی از محورهای اصلی رشد و توسعه است و از نظر برنامه‌ریزی توسعه اقتصادی و توسعه پایدار دارای اهمیت است، زیرا (۱) موجب ایجاد اشتغال می‌شود؛ (۲) باعث افزایش سود و سرمایه سرمایه‌گذاران می‌شود؛ (۳) موجب دگرگونی ارزش‌ها و تحول ماهیت آنها می‌شود و ارزش‌های تازه‌ای به وجود می‌آورد؛ (۴) موجب پر شدن خلاءهای بازار می‌شود؛ (۵) موجب گذر از رکود اقتصادی، جبران عقب ماندگی‌های اقتصادی و آسان شدن روند رشد و توسعه کشور می‌شود؛ (۶) عوامل و شرایط لازم برای تولید کالاها، محصولات و بازاریابی آنها را فراهم می‌کند؛ (۷) کارآفرینی به هنگام بحران و ناتوانی بخش خصوصی در ایجاد اشتغال می‌تواند باعث جلوگیری از پس روی اقتصادی شود؛ (۸) باعث تأمین رفاه اجتماعی می‌شود؛ (۹) موجب رقابت صنایع به ویژه صنایع مشابه داخلی با یکدیگر و سرانجام موجب بهبود و بالا رفتن کیفیت کالاها می‌شود؛ (۱۰) باعث تقویت و تکامل صنایع داخلی می‌شود به این ترتیب زمینه رقابت صنایع داخلی و خارجی فراهم می‌آید و در نهایت به افزایش صادرات و دریافت

ارز برای کشور می‌انجامد و (۱۱) کارآفرینی موجب به وجود آمدن خدمات، روش‌ها، خط‌مشی‌ها، افکار و راه کارهای نو برای حل مشکلات جامعه می‌شود (خشکاپ، ۱۳۸۸). در واقع می‌توان فلسفه آموزش کارآفرینی در مقطع متوسطه را توانمندسازی دانش‌آموزان دانست با این هدف که آن‌ها به اعضای تولیدکننده اقتصادی جامعه تبدیل شوند و این درحالی است که نقش مدارس کمک به دانش‌آموزان در راستای افزایش یادگیری و توسعه مهارت‌های زندگی است. هدف نمایان کردن این حقیقت است که آن چه دانش‌آموزان در کلاس درس می‌آموزند با زندگی واقعی آن‌ها در ارتباط است (بهزادیان‌نژاد، ۱۳۸۷).

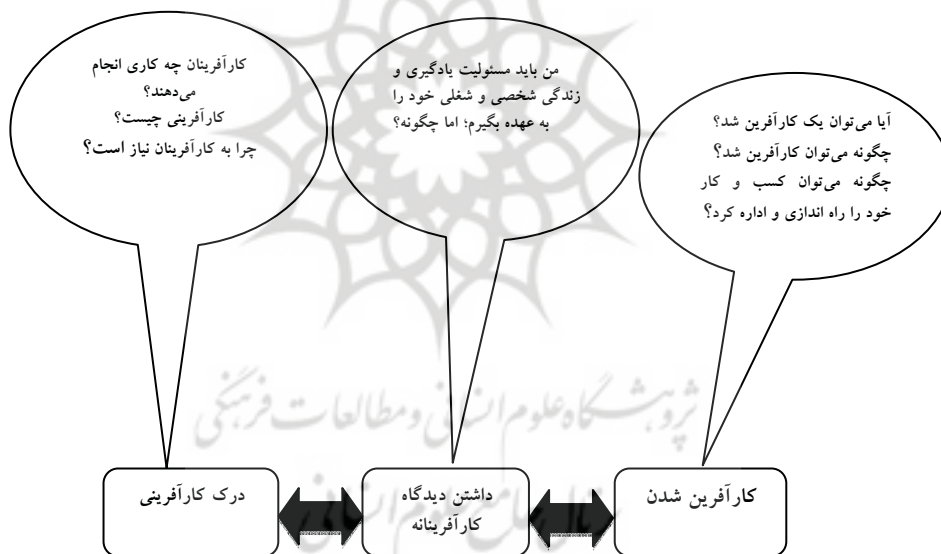
هم چنین نتایج پژوهش‌های مختلف نشان می‌دهند که بسیاری از فراگیران دبیرستانی علاقه مند هستند که خود آغازگر یک حرفه و شغل باشند. آن‌ها به مشاغل آزاد علاقه بیش‌تری دارند. این گروه از فراگیران امید بسیاری خوبی به موفقیت در این گونه مشاغل نسبت مشاغل دولتی دارند. کوریلسکی چنین حقایقی را نتیجه آموزش‌های کارآفرینی ارائه شده به این گروه از فراگیران می‌داند. در این راستا روشن است که، این گونه فراگیران باید مهارت‌هایی را بیاموزند که به آن‌ها توانایی لازم به منظور مدیریت کارا و مؤثر زمان، برقراری ارتباط با مصرف‌کنندگان کالاها، تولیدکنندگان خدمات و نیز همکاران خود را داده و به طور کلی حرفه و شغل خود را به طور مؤثر مدیریت کنند (دارلینگ، گابریلسون و سرستو، ۲۰۰۷). به طور کلی می‌توان اهداف مورد انتظار در آموزش کارآفرینی را به شرح زیر بیان کرد:

الف) تحریک انگیزه‌ها: یکی از اهداف در آموزش و ترویج کارآفرینی تحریک انگیزه‌ها در افرادی است که دارای خصوصیات کارآفرینانه هستند. شناخت این افراد از توانایی‌های خود و آگاهی دادن در این زمینه و برانگیختن آن‌ها از اصلی‌ترین وظایف آموزش کارآفرینی است. تحریک انگیزه‌هایی از قبیل میل به کسب ثروت، توفیق طلبی، استقلال‌طلبی، تمایل به ساختن چیزی نو، قبول نداشتن شیوه‌های موجود، قرار نگرفتن فرد در پایگاه اجتماعی که لیاقتش را دارد و نظایر آن موجب می‌شود که فرد را در مسیر کارآفرین شدن قرار دهد.

ب) پرورش ویژگی‌ها: چنان که ذکر شد ویژگی‌هایی که موجب می‌شود فرد کارآفرین شود، توارثی نیست، بلکه اکتسابی است. بنابراین، پرورش این ویژگی‌ها در افراد مختلف لازم است. برخی از افراد در محیط‌هایی پرورش می‌یابند که زمینه برای تحریک انگیزه‌ها و پرورش

ویژگی‌های آن‌ها فراهم است. بنابراین، در صورتی که این افراد کسب و کاری را شروع کنند، مطالعات نشان داده که اغلب با موفقیت همراه خواهد بود. اما بیش‌تر مردم در چنین محیط‌هایی قرار ندارند، لذا ایجاد انگیزش و پرورش ویژگی‌ها از طریق برنامه‌های آموزشی برای آن‌ها لازم است. این ویژگی‌ها شامل مواردی همچون آموزش تفکر خلاق، بالا بردن ریسک‌پذیری، بالا بردن قدرت تحمل ابهام، دادن اعتماد به نفس، فرصت‌شناسی، دادن اطلاعات آموزشی نسبت به خصوصیات روانی شخص از قبیل مرکز کنترل است. (ج) آموزش مهارت‌ها: مهارت آموزشی عنصر کلیدی و اصلی در آموزش کارآفرینی است، آموزش و آموختن مهارت‌ها به صورت عملی باعث یادگیری و کسب خلاقیت و کارآفرینی می‌شود (حسینی‌خواه، ۱۳۸۷).

در ادامه فرایند اهداف آموزش کارآفرینی ارائه شده است:



شکل ۱: فرایند اهداف آموزش کارآفرینی.

ضرورت (آموزش کارآفرینی): دنیای پیرامون انسان‌ها روز به روز در حال متحول شدن است. اکثر مشاغل جدید در رابطه با بنگاه‌های اقتصادی کوچک و متوسط مطرح می‌شوند. شرکت‌ها در حال کوچک شدن هستند و در شرکت‌های بزرگ، از میزان استخدامی‌ها کاسته و استخدام دائمی سست شده است. به علاوه، خواسته‌های کارفرمایان تغییر کرده و بیش‌تر به

دنبال افرادی هستند که نگرش‌ها و رفتارهای کارآفرینانه دارند. همچنین نارضایی شغلی و توفیق‌طلبی، بسیاری را بر آن داشته است تا از بیکاری و اشتغال، به «خود اشتغالی» تغییر جهت دهند (همان).

به طور کلی می‌توان عواملی را که باعث ضرورت توجه به آموزش کارآفرینی شده‌اند در دو سطح جای داد:

۱- سطح کلان: این سطح به عوامل بین‌المللی اشاره دارد که مختص به کشور یا قاره خاصی نیستند و عبارت هستند از:

- گرایش روز افزون به کوچک‌سازی شرکت‌های بزرگ
 - تغییرات جهانی در الگوهای کسب و کار
 - توسعه اقتصادی بازار در اکثر نقاط جهان و ایجاد فرصت‌های جدی
- ۲- سطح خرد: این سطح به عواملی اشاره دارد که در مورد ایران کاملاً صدق می‌کنند، مهم‌ترین این عوامل عبارت هستند از:

وضعیت توسعه یافتگی - شرایط اقتصادی و اجتماعی - مشکلات شغلی - ویژگی‌های سنی و شخصیتی و سطح سواد (همان).

محتوا (آموزش کارآفرینی): ادغام آموزش کارآفرینی در برنامه درسی مدارس موجب غنی‌سازی تجارب یادگیری فراگیرندگان، افزایش ایجاد کسب و کارهای جدید توسط دانش‌آموزان، ارتقاء مهارت‌های شغلی و مدیریت کسب و کار، افزایش ارتباط بین مدارس صنعت و ایجاد فرصتی برای آزمون محتوا و روش‌های تدریس کارآفرینی می‌شود (فاویت، هنری، جانستون، ۲۰۰۶).

همچنین محتوای درسی کارآفرینی باید متناسب با شرایط اقتصادی و اجتماعی باشد. برای مثال فایده‌ای ندارد که فرصت‌های کارآفرینانه موجود در آمریکا را به فراگیرندگان ایرانی آموزش داد یا طریقه باز کردن حساب بانکی و میزان بهره بانکی آمریکا را در محتوای درسی ایران گنجانند. بنابراین، اگر قرار است محتوای این دوره‌ها از دوره‌های اجرا شده در کشورهای پیشرفته و موفق اقتباس شود، باید تا حد امکان بومی‌سازی شود (حسینی‌خواه، ۱۳۸۷).

بر اساس بررسی‌های انجام شده، محتوای دوره‌های کارآفرینی بیش‌تر بر چهار حوزه

متمرکز است (جانسون^۱، ۲۰۱۱):

- ۱- دانش و اطلاعات (درباره تعاریف، اصول، نظریه‌ها و ویژگی‌های کارآفرینان)
 - ۲- مهارت‌های مدیریت کسب و کار (مانند تنظیم طرح کسب و کار، بازاریابی، مدیریت مالی و ...)
 - ۳- مهارت‌های شخصی کارآفرینانه (مانند فرصت‌مداری، خلاقیت و نوآوری و ...)
 - ۴- مهارت‌های عمومی (مانند مهارت‌های ارتباطی، چانه زنی و شبکه‌سازی اجتماعی)^۲
- محیط (آموزش کارآفرینی):** عوامل و منابع محیطی در میزان فعالیت‌های کارآفرینانه نقش اساسی ایفا می‌کنند.

- محیط آموزش کارآفرینی باید دارای این ویژگی‌ها باشد (دگورگ و فایول^۳، ۲۰۰۵).
۱. تفویض اختیار: فراگیرندگان خودشان باید مهم‌ترین عوامل فرایند آموزش مانند: گروه، ایده‌ها، فرصت‌ها و آزمون‌ها را انتخاب کنند.
 ۲. تفویض مسئولیت: فراگیرندگان خودشان باید جدول زمانی و نوع وظایف را تعیین کنند.
 ۳. مدیریت کل‌گرا: باید از فراگیرندگان خواسته شود به طور همزمان وظایف متعددی را انجام دهند.
 ۴. معرفی موقعیت‌های مبهم و ناشناخته: برای این مورد باید مثال‌هایی از دنیای واقعی آورده شود.
 ۵. مجاز شمردن اشتباه: باید اجازه داده شود که فراگیرندگان از اشتباهات و شکست‌های خود درس بگیرند.
 ۶. تحت فشار گذاشتن: برای تحویل تکالیف و وظایف تعیین شده باید جدول زمانی فشرده‌ای تعیین شود و به طور ناگهانی تکالیف و وظایف جدید و فوری به آن‌ها داده شود.

اعتقاد بر این است که زمانی که دانش‌آموزان در کلاس درس به یادگیری و تمرین اقدام

1. Johnson
2. Social networking skills
3. Degeorge & Fayolle

می‌کنند، خلاقیت کارآفرینی خود را آشکار کرده، درک بهتری از مشاغل پیدا کرده، قادر هستند کیفیت زندگی خود را بهبود بخشیده و شهامت آن را بیابند که رویاهای خود را در جهت داشتن آینده‌ای مولد و پربار به واقعیت تبدیل کنند (دابسون^۱، ۲۰۰۵).

روش تدریس (آموزش کارآفرینی): در رابطه با روش‌های تدریس کارآفرینانه باید گفت که رویکردهای سنتی آموزش که بر مباحث تئوریک و "تفکر مفهومی"^۲ تأکید دارند و هدف آن‌ها انتقال اطلاعات صرف است، منفعل و معلم‌محور هستند و در تضاد با کارآفرین‌ساز قرار دارند (گیب، ۲۰۰۵). برای آموزش کارآفرینی که ماهیت عملی و تجربی دارد، باید از روش‌های تدریس شاگردمحور و اقدام‌مدار^۴ استفاده کرد تا روحیه خلاقیت و نوآوری در فراگیرندگان شکوفا شود. رویکرد شاگردمدار بر نیازها و علایق خود فراگیرندگان متمرکز است و می‌تواند پاسخ‌گوی نیازهای آن‌ها باشد (مطهری، ۱۳۸۸).

اگرچه ایجاد یک فضای مؤثر و کارآمد برای آموزش و تدریس کارآفرینی یک امر بسیار مهم و حیاتی به شمار می‌رود، ولی در همان حال باید توجه داشت که هر یک از صفات، خصوصیات و مهارت‌های کارآفرینی با توجه به تفاوت ذاتی آن‌ها با یکدیگر نیازمند روش‌های تدریس مختلف در محیط‌های آموزشی متفاوت از یکدیگر هستند (چنج، چان و محمود^۵، ۲۰۰۹). در رابطه با روش تدریس کارآفرینی، رویکردهای سنتی آموزش که بر مباحث تئوریک و تفکر مفهومی تأکید دارند و هدف آن‌ها انتقال اطلاعات صرف است، رویکردی منفعل و معلم‌محور است که در تضاد با مکتب کارآفرینی است (دبیری، ۱۳۸۶). برای آموزش کارآفرینی که ماهیت عملی و تجربی دارد، باید از روش تدریس شاگردمدار و اقدام‌مدار استفاده کرد تا روحیه خلاقیت و نوآوری در فراگیران شکوفا شود (بننت^۶، ۲۰۰۶). رویکرد شاگردمدار بر برداشت‌ها و علائق خود فراگیران متمرکز است و می‌تواند پاسخ‌گوی نیاز آن‌ها باشد (مقیمی، ۱۳۸۴). در واقع معلمان باید از تکنیک‌های نوین و متعدد برای آموزش

1. Dabson
2. Conceptual thinking
3. Passive approach
4. Action – oriented
5. Cheng, Chan & Mahmood
6. Bennett

کارآفرینی استفاده کنند (کوکران اسمیت^۱، ۲۰۰۵)

بنابراین، با توجه به مطالب ذکر شده وجود تفاوت‌های فرهنگی میان صفات، خصوصیات، و مهارت‌های کارآفرینی مانع از ایجاد و توسعه یک روش واحد برای آموزش کارآفرینی می‌شود، اما طی پژوهشی که یدالهی و میرشکار (۱۳۸۸) انجام داده‌اند مشخص شد که بهترین روش‌های آموزش کارآفرینی به ترتیب اولویت عبارت هستند از روش‌های کاربردی و عملی، کارگاه آموزشی، روش آموزشی مصاحبه و روش سخنرانی (یغما، ۱۳۸۹). در پایان این مبحث در جدولی به صورت خلاصه مباحث اهداف آموزش کارآفرینی، محتوا و روش تدریس کارآفرینانه ارائه شده است:

جدول ۱: طبقه‌بندی اهداف، محتوا، روش تدریس و فعالیت‌ها بر اساس دوره تحصیلی

| مقطع آموزشی | هدف | محتوا | روش تدریس و فعالیت | عناصر شاپرو |
|-------------|---|--|--|-------------------------------------|
| ابتدایی | آموزش درباره کارآفرینی | مباحث نظری کارآفرینی (مفاهیم، اصول و نظریه‌ها) | سخنرانی، خواندن، دیدن، میهمان سخنران، داستان موردی | مجذوب شدن: من خواهان انجام آن هستم |
| راهنمایی | آموزش درباره کارآفرینی آموزش از طریق کارآفرینی | مهارت‌های مدیریتی عمومی و شخصی | سخنرانی، بحث و گفت‌وگو، حل مسئله، ایفای نقش، مطالعه موردی، کار گروهی | ممکن شدن: من قادر به انجام آن هستم |
| دبیرستان | آموزش درباره کارآفرینی آموزش از طریق کارآفرینی آموزش برای کارآفرینی | کسب تجارب واقعی در قالب یک سلسله فعالیت‌های عملی | پروژه، شبیه‌سازی، بازدید از کسب و کارهای جدید، تدوین طرح شغل | راهی شدن: من در مرحله انجام آن هستم |

(منبع: حسینی خواه، ۱۳۸۷)

بی‌گمان، یکی از عواملی پدیدآورنده تلاش و پشتکار، باور فرد از خود است. این باورها با رفتار معلم ساخته می‌شود و تلاش‌های آینده دانش‌آموز را تضمین می‌کند. دانش‌آموز توجه آموزگار به خود را نشانه اهمیت داشتن خود می‌گیرد و این احساس در او پدید می‌آید که شایستگی توجه دیگران را دارد و بدین ترتیب اعتماد به نفس می‌یابد (قلی‌زاده و یاراحمدی، ۱۳۸۸). اگر معلمان بر ایده‌های غیر عادی فراگیران ارزش قائل شوند، می‌توانند قدرت ابتکار را در فراگیران ارتقا بخشند. بسیاری از ابداعات و اختراعات با یک سؤال عجیب و غیر عادی آغاز

شده‌اند؛ بنابراین، معلمان باید از این نوع سؤالات در کلاس درس استقبال کنند (اوستربک^۱ و همکاران، ۲۰۰۹). معلم می‌تواند با تقویت کمیّت در کنار کیفیت، سیلان فکر را نیز در دانش‌آموزان افزایش دهد (جاکوبسون^۲، ۲۰۱۱). بحث‌های کلاسی، به چالش کشیدن و تشویق افکار دانش‌آموزان موجب پدید آمدن مهارت‌های خلاقانه و ایده‌های بکر و نو می‌شود. به طور کلی هدف این پژوهش بررسی عوامل تأثیرگذار (از جمله آموزش‌های کارآفرینانه معلم، محتوای کتب درسی، اهداف، محیط و ضرورت آموزش کارآفرینانه) بر تقویت روحیه کارآفرینی دانش‌آموزان است و در پی پاسخ به این سؤال است که معلمان و به طور کلی نظام آموزش و پرورش چه روش‌ها و فعالیت‌های آموزشی را در پیش گیرند تا سبب رشد، تقویت و پرورش ویژگی‌ها و روحیه کارآفرینی فراگیران شوند؟

شفیعی و شایقی (۱۳۸۲) پژوهشی با عنوان "بررسی میزان کارآفرینی دانش‌آموختگان علوم انسانی در عرصه نشریات فرهنگی و اجتماعی شهر تهران" انجام داده‌اند. که در این پژوهش به بررسی شناخت ویژگی‌های کارآفرینی دانش‌آموختگان کارآفرینی اقدام کرده‌اند. در این پژوهش نشان داده شده که بین کارآفرینی و دوره‌های آموزشی انگیزه پیشرفت، ریسک‌پذیری و خلاقیت رابطه معناداری وجود دارد.

در پژوهش دیگر شرفی، مقدم و مذبحی (۱۳۹۰) به بررسی "رابطه ساده و چندگانه خلاقیت، انگیزه پیشرفت، عزت نفس با کارآفرینی در دانشگاه شهید چمران اهواز اقدام کرده‌اند. یافته‌های پژوهش ارتباط معناداری را در میزان رابطه هر گزینه با گروه نمونه نشان داد یعنی بین میزان انگیزه پیشرفت و عزت نفس و خلاقیت دانشجویان دختر و پسر دانشگاه اهواز با کارآفرینی ارتباط معناداری وجود دارد.

در پژوهشی مرادی و همکاران (۱۳۸۷) "نقش مشاوره شغل گروهی بر تغییر نگرش دانشجویان دانشگاه اصفهان نسبت به کارآفرینی" را بررسی کردند. نتایج نشان داد که آموزش و مشاوره شغلی تغییر معناداری در نگرش افراد نسبت به کارآفرینی ایجاد کرده است.

پژوهش بدری (۱۳۸۴) تحت عنوان "بررسی قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان دانشگاه اصفهان" نشان می‌دهد که قابلیت‌های کارآفرینی شامل استقلال‌طلبی، کنترل درونی، انگیزه

1. Oosterbeek

2. Jacobson

پیشرفت و خلاقیت در بین دانشجویان دانشگاه اصفهان بالاتر از میانگین و ریسک‌پذیری پایین‌تر از میانگین است. بین قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان سال اول و آخر دانشگاه اصفهان در زمینه استقلال‌طلبی و کنترل درونی، خلاقیت، انگیزه پیشرفت و ریسک‌پذیری تفاوت معناداری وجود ندارد.

نتایج پژوهش فرهنگی و روزیان (۱۳۸۵) با عنوان "ارزیابی مرکز کارآفرینی دانشگاه شیراز" نشان داد که هر شش مؤلفه مورد بررسی شامل (ترویج فرهنگ کارآفرینی، آموزش مهارت‌های کارآفرینی، آموزش ویژگی‌های کارآفرینی، کشف و شناسایی زمینه‌های کارآفرینی، آموزش تدوین طرح کسب و کار و معرفی دانشجویان دارای طرح کسب و کار به مراکز حمایتی کم‌تر از سطح متوسط بوده است.

گلام^۱ (۲۰۰۸) در مطالعات خود دریافت گرچه آموزش کارآفرینی در دنیا رو به رشد روز افزون است؛ اما پژوهش‌ها و مطالعات کمی بر روی مفاهیم و عناصر کلیدی کارآفرینی و سرمایه‌گذاری بر روی آموزش و پرورش انجام شده است. یکی از عناصر کلیدی کارآفرینی که پژوهش اندکی درباره آن انجام شده است، نقش معلمان در پرورش ویژگی‌های کارآفرینانه است. پژوهش گوین^۲ (۲۰۰۹) نیز در زمینه تأثیر برنامه آموزش‌های کارآفرینی در ترکیه مشخص کرد که این آموزش‌ها به طور مستقیم به پرورش بسیاری از صفات کارآفرینانه از جمله خلاقیت افراد کمک می‌کند، اما تسهیلات لازم در زمینه ارائه بهینه این آموزش‌ها ناکافی است.

نتایج پژوهش وانگر^۳ (۲۰۰۷) که با هدف تأثیر آموزش کارآفرینی بر مهارت‌های کارآفرینی و انگیزش دانش‌آموزان انجام شده است، مشخص کرد که برنامه آموزش کارآفرینی در ایجاد انگیزه و مهارت‌های کارآفرینی دانش‌آموزان اثرات معناداری نداشته است. همچنین هانتر^۴ (۲۰۰۴) در رساله دکترای خود با عنوان تجربیات آموزش کارآفرینی، به مطالعه تأثیر ۳ نوع آموزش رسمی، نیمه رسمی، غیر رسمی بر یادگیری مهارت‌های کارآفرینانه اقدام کردند که به طور کلی نتایج نشان داد که آموزش رسمی به تنهایی تأثیر زیادی بر یادگیری کارآفرینی

1. Ghulam
2. Guven
3. Wagner
4. Hunte

ندارد، اما به عنوان یک عامل حمایتی برای کارآفرینان در دستیابی به تجربیات و مهارت‌های کارآفرینی عمل می‌کند.

جسیلین و میشل (۲۰۰۶) طی یک پژوهش پیمایشی سراسری، با هدف ارزیابی توسعه آموزش کارآفرینی در نهاد آموزش عالی آفریقای جنوبی پژوهشی انجام دادند که بیان‌کننده آن است که آموزش کارآفرینی در مرحله توسعه و رشد به سر می‌برد و روش‌های تدریس در آن هنوز مری‌محور است. آن‌ها پیشنهاد دادند که روش‌های تدریس و ارزشیابی سنتی در کلاس‌های درس باید کنار گذاشته شود و برنامه درسی جدید با رویکرد کارآفرینی تدوین و از روش‌های مشارکتی در تدریس استفاده شود. بنت (۲۰۰۶) اذعان می‌کند که در آموزش کارآفرینی ما نیاز به معلمانی داریم که تسهیل‌کنندگان یادگیری شوند، اما در کاربرد روش‌های تدریسی که توانایی خوداکتشافی در دانش‌آموزان را بالا ببرد، هیچ‌گونه کنترلی نمی‌شود و سه روشی که اکثراً در کلاس‌ها به کار برده می‌شود عبارت از (۱) سخنرانی؛ (۲) مطالعات موردی و (۳) بحث گروهی است.

فرضیه‌های پژوهش عبارت بودند از:

فرضیه اصلی: بین آموزش کارآفرینانه معلم با روحیه کارآفرینانه دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.

فرضیه‌های فرعی:

۱. بین اهداف آموزش کارآفرینی با روحیه کارآفرینانه دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.
۲. بین ضرورت آموزش کارآفرینی با روحیه کارآفرینانه دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.
۳. بین محتوای آموزش کارآفرینی با روحیه کارآفرینانه دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.
۴. بین شیوه‌های آموزش کارآفرینی با روحیه کارآفرینانه دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.
۵. بین محیط آموزش کارآفرینی با روحیه کارآفرینانه دانش‌آموزان رابطه دارد.
۶. بین آموزش کارآفرینانه معلم با ابعاد روحیه کارآفرینانه دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.

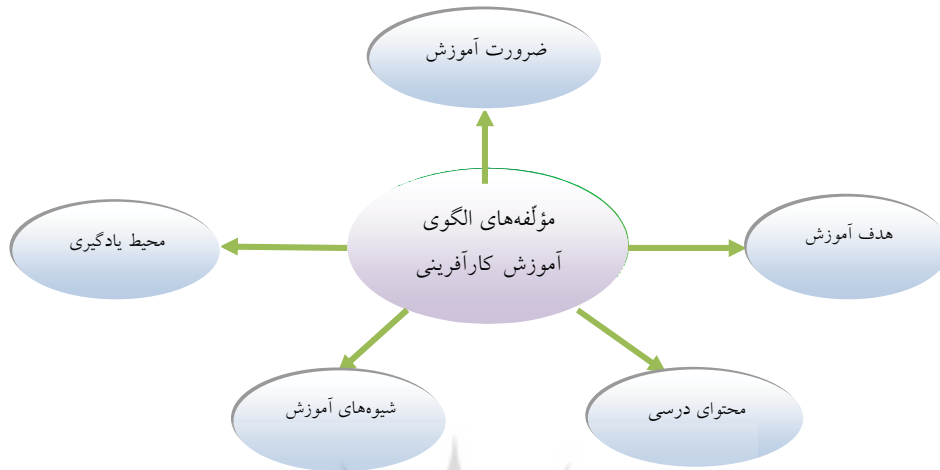
این پژوهش در پی پاسخگویی به سؤال‌های زیر بود:

سؤال اصلی:

آیا بین آموزش کارآفرینانه معلم با روحیه کارآفرینانه دانش‌آموزان رابطه وجود دارد؟
سؤال‌های ویژه:

۱. آیا بین اهداف آموزش کارآفرینی با روحیه کارآفرینانه دانش‌آموزان رابطه وجود دارد؟
۲. آیا بین ضرورت آموزش کارآفرینی با روحیه کارآفرینانه دانش‌آموزان رابطه وجود دارد؟
۳. آیا بین محتوای آموزش کارآفرینی با روحیه کارآفرینانه دانش‌آموزان رابطه وجود دارد؟
۴. آیا بین شیوه‌های آموزش کارآفرینی با روحیه کارآفرینانه دانش‌آموزان رابطه وجود دارد؟
۵. آیا بین محیط آموزش کارآفرینی با روحیه کارآفرینانه دانش‌آموزان رابطه دارد؟
۶. آیا بین آموزش کارآفرینانه معلم با ابعاد روحیه کارآفرینانه دانش‌آموزان رابطه وجود دارد؟

در این پژوهش از مدل مفهومی ایزدی یزدان آبادی و فدایی شهاب (۱۳۸۸) استفاده شد که با توجه به اهداف پژوهش حاضر ۵ مؤلفه کلیدی و مهم مرتبط با آموزش کارآفرینی (اهداف، ضرورت، محتوا، روش آموزش و محیط آموزش کارآفرینانه) را مطرح و تمام جوانب امر را به طور کامل ارزیابی و بررسی می‌کند. دلایل انتخاب مدل مذکور عبارت هستند از: ۱- به روز بودن: زیرا از بین اکثر مدل‌هایی که بررسی شدند، جدید و تقریباً اکثر موارد مربوط به روحیه کارآفرینی را دارا است؛ ۲- جامع بودن: مدل مذکور نسبت به مدل‌های دیگر اکثر موارد مربوط به ویژگی‌های کارآفرینان را دارد و می‌تواند اکثر ویژگی‌هایی را که از کارآفرینان انتظار می‌رود توضیح، پیش‌بینی و تشریح کند؛ ۳- از نظر کاربردی: این مدل با توجه به عناوین مربوطه ارتباط نزدیکی با موضوع پژوهش و کاربرد آن در زمینه محیط آموزشی و تعلیم و تربیت دارد.



شکل ۲: نمودار مفهومی پژوهش
(منبع: ایزدی یزدان آبادی و فدایی شهاب، ۱۳۸۸).

روش

از آنجا که این پژوهش به بررسی رابطه بین دو متغیر آموزش کارآفرینی معلم و روحیه کارآفرینی دانش‌آموزان اقدام می‌کند. لذا پژوهش از نوع همبستگی است. در این پژوهش جامعه آماری شامل کلیه دبیران دوره متوسطه آموزش و پرورش شهر تهران به تعداد ۱۱۴۷۳ نفر و همچنین کلیه دانش‌آموزان (دختر و پسر) دوره متوسطه و پیش‌دانشگاهی شهر تهران به تعداد ۱۶۷۸۴۵ نفر بود. که از این تعداد، ۵۲۹۶۵ نفر در رشته ریاضی، ۵۷۹۳۱ نفر رشته انسانی و ۵۶۹۰۰ نفر رشته تجربی بودند.

جدول ۲: توزیع جامعه و نمونه پژوهش به تفکیک رشته تحصیلی

| رشته تحصیلی | دختر | پسر | کل |
|-------------|-------|-------|--------|
| ریاضی | ۲۴۴۸۳ | ۲۸۴۸۲ | ۵۲۹۶۵ |
| تجربی | ۲۷۴۵۱ | ۲۹۴۴۹ | ۵۶۹۰۰ |
| انسانی | ۳۰۱۶۵ | ۲۷۷۶۶ | ۵۷۹۳۱ |
| جمع کل | ۸۲۰۹۹ | ۸۵۷۴۷ | ۱۶۷۸۴۶ |

در این پژوهش به دلیل حجم گسترده جامعه آماری، تعداد ۱۰۰ دبیر به عنوان نمونه و با

استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. بدین ترتیب که ابتدا شهر تهران به پنج خوشه (شمال، جنوب، غرب، شرق و مرکز) تقسیم شد، سپس از هر خوشه یک منطقه آموزشی و از هر منطقه تعداد چهار دبیرستان (دخترانه و پسرانه) به صورت تصادفی انتخاب و در نهایت پرسشنامه‌هایی در آن مدارس توسط معلمان و دانش‌آموزان آنها تکمیل شد. لازم به ذکر است برای هر معلم تعداد ۴ دانش‌آموز همان معلم، به صورت تصادفی ساده انتخاب و پرسشنامه روحیه کارآفرینی را تکمیل کردند.

ابزارهای پژوهش عبارت بودند از:

الف) پرسشنامه محقق ساخته آموزش کارآفرینی معلم: در تدوین این پرسشنامه از مدل ایزدی یزدان آبادی و فدایی شهاب (۱۳۸۹) استفاده شد. این مدل شامل پنج بعد است که بعد هدف آموزش کارآفرینی شامل سؤال ۵ - ۱، بعد ضرورت آموزش کارآفرینانه شامل سؤال ۹ - ۶، بعد محتوای آموزشی کارآفرینانه شامل سؤال ۱۵ - ۱۰، بعد شیوه‌های آموزش کارآفرینانه شامل سؤال ۲۴ - ۱۶، و بعد محیط آموزشی کارآفرینانه شامل سؤال ۳۰ - ۲۵ است که هر یک از این مؤلفه‌ها بر اساس طیف لیکرت (کاملاً مخالفم - ۱ تا کاملاً موافقم - ۵) نمره‌گذاری شده است. به منظور تدوین گویه‌های پرسشنامه ابتدا پرسشنامه‌های گوناگون در این زمینه مطالعه و سؤالاتی که بیش تر فراوانی را در این پرسشنامه‌ها داشتند استخراج و در تدوین پرسشنامه حاضر استفاده شد که در نهایت پرسشنامه پژوهش حاضر از ۳۰ سؤال تشکیل شد.

روایی صوری پرسشنامه را تعدادی از نخبگان دانشگاهی تأیید کردند و پایایی پرسشنامه نیز با استفاده از آلفای کرونباخ و برای ابعاد هدف آموزش کارآفرینی (۰/۸۴)، ضرورت آموزش کارآفرینی (۰/۷۹)، محتوای آموزش کارآفرینی (۰/۸۹)، شیوه‌های آموزش کارآفرینی (۰/۸۸) و محیط آموزش کارآفرینانه (۰/۸۷) محاسبه شد.

ب) پرسشنامه روحیه کارآفرینی دانش‌آموزان: از پرسشنامه استاندارد کردنائیج و زالی (۱۳۸۶) استفاده شد. ابزار مذکور کارآفرینی فردی را در ۸ بعد: ۱- توفیق‌طلبی (۱۵ گویه) ۲- چالش‌طلبی (۶ گویه) ۳- ریسک‌پذیری (۱۸ گویه) ۴- رؤیاپردازی (۷ گویه) ۵- عمل‌گرایی (۸ گویه) ۶- کانون کنترل (۱۷ گویه) ۷- سلاست فکری (۱۳ گویه) ۸- تحمل ابهام (۱۱ گویه) می‌سنجد.

پایایی و روایی ابزار مذکور را زالی و کردنائیج (۱۳۸۶) سنجیده شده که روایی سازه و

همزمان در پژوهش آن‌ها تأیید شد، پایایی ابزار نیز با استفاده از آلفای کرونباخ برای هر بعد به ترتیب: توفیق طلبی (۰/۸۶)، چالش طلبی (۰/۸۲)، ریسک پذیری (۰/۹۲)، رؤیا پردازی (۰/۶۶) و عمل‌گرایی (۰/۶۷)، کانون کنترل (۰/۸۷)، تحمل ابهام (۰/۸۳) و سلاست فکری (۰/۸۹) به دست آمده است.

در این پژوهش برای تعیین روایی صوری از نظر متخصصان- شامل اساتید صاحب‌نظر دانشکده و دانشجویان تحصیلات تکمیلی- استفاده شد. همچنین آلفای کرونباخ برای ابعاد: کانون کنترل درونی (۰/۹۱)، خطرپذیری (۰/۸۹)، تحمل ابهام (۰/۸۶)، سلاست فکری (۰/۸۶)، سلاست فکری (۰/۸۵)، عمل‌گرایی (۰/۸۷)، چالش طلبی (۰/۸۴) محاسبه شد. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش از روش‌های آمار توصیفی (میانگین، درصد و فراوانی) و از روش‌های آمار استنباطی مانند، ضریب همبستگی پیرسون و ضریب رگرسیون، آزمون تی تک‌نمونه‌ای و تحلیل واریانس استفاده شد.

یافته‌ها

به منظور پاسخدهی به سؤالات پژوهش با توجه به نرمال بودن توزیع داده‌های پژوهش از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد که نتایج جدول ۳ ذکر شده است.

جدول ۳: ضریب همبستگی پیرسون بین آموزش کارآفرینانه معلم با روحیه کارآفرینانه دانش‌آموزان

| نتیجه آزمون | سطح معناداری (Sig) | احتمال خطا (α) | روحیه کارآفرینانه دانش‌آموزان | همبستگی |
|------------------------|--------------------|-------------------------|-------------------------------|-------------------------------|
| فرضیه Ho رد می‌شود. | ۰/۰۰۰ | ٪۱ | ۰/۲۶ | آموزش کارآفرینانه معلم |
| فرضیه Ho تأیید می‌شود. | ۰/۲۶۱ | ٪۱ | ۰/۰۶ | اهداف آموزش کارآفرینی معلم |
| فرضیه Ho رد می‌شود. | ۰/۰۰۰ | ٪۱ | ۰/۲۲ | ضرورت آموزش کارآفرینی معلم |
| فرضیه Ho رد می‌شود. | ۰/۰۰۰ | ٪۱ | ۰/۲۱ | محتوای آموزش کارآفرینی معلم |
| فرضیه Ho رد می‌شود. | ۰/۰۰۰ | ٪۱ | ۰/۲۵ | شیوه‌های آموزش کارآفرینی معلم |
| فرضیه Ho رد می‌شود. | ۰/۰۰۰ | ٪۱ | ۰/۲۳ | محیط آموزش کارآفرینی |

سؤال اصلی پژوهش مبنی بود بر اینکه « آیا بین آموزش کارآفرینانه معلم با روحیه کارآفرینانه دانش‌آموزان رابطه معناداری وجود دارد؟ »

نتایج حاصل از جدول حاکی از آن است که بین آموزش کارآفرینانه معلم با روحیه

کارآفرینانه دانش آموزان رابطه وجود دارد. همان طور که مشاهده می شود ضریب همبستگی ($r=0,26$) در سطح ($p=0,01$) معنادار است و جهت رابطه به صورت مثبت و مستقیم است. به منظور پاسخدهی به سؤال دوم پژوهش مبنی بر اینکه «آیا بین اهداف آموزش کارآفرینی معلم با روحیه کارآفرینانه دانش آموزان رابطه معناداری وجود دارد؟» در این پژوهش نیز از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد که نتایج در ادامه ذکر شده است. نتایج حاصل از جدول حاکی از آن است که بین اهداف آموزش کارآفرینی معلم با روحیه کارآفرینانه دانش آموزان رابطه معنادار وجود ندارد. لذا همان طور که مشاهده می شود ضریب همبستگی ($r=0,06$) معنادار نیست.

به منظور پاسخدهی به سؤال سوم پژوهش مبنی بر اینکه «آیا بین ضرورت آموزش کارآفرینی با روحیه کارآفرینانه دانش آموزان رابطه معناداری وجود دارد؟» نتایج حاصل از جدول حاکی از آن است که بین ضرورت آموزش کارآفرینی با روحیه کارآفرینانه دانش آموزان رابطه معناداری وجود دارد. بنابراین، مشاهده می شود ضریب همبستگی ($r=0,22$) در سطح ($p=0,01$) معنادار است و جهت رابطه به صورت مثبت و مستقیم است یعنی هر چه ضرورت آموزش کارآفرینی بیش تر باشد، روحیه کارآفرینانه دانش آموزان نیز ارتقاء می یابد.

به منظور پاسخدهی به سؤال چهارم پژوهش مبنی بر اینکه «آیا بین محتوای آموزش کارآفرینی با روحیه کارآفرینانه دانش آموزان رابطه معناداری وجود دارد؟» از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد، که نتایج حاصل از جدول حاکی از آن است که بین محتوای آموزش کارآفرینی معلم با روحیه کارآفرینانه دانش آموزان رابطه وجود دارد. همان طور که مشاهده می شود ضریب همبستگی ($r=0,21$) در سطح ($p=0,01$) معنادار است و جهت رابطه به صورت مثبت و مستقیم است، یعنی هر چه محتوای آموزش کارآفرینی بیش تر باشد روحیه کارآفرینانه دانش آموزان نیز ارتقاء می یابد.

به منظور پاسخدهی به سؤال پنجم پژوهش مبنی بر اینکه «آیا بین شیوه های آموزش کارآفرینی با روحیه کارآفرینانه دانش آموزان رابطه معناداری وجود دارد؟» از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد که نتایج در ادامه ذکر شده است. نتایج حاصل از جدول حاکی از آن است که بین شیوه های آموزش کارآفرینی با روحیه کارآفرینانه دانش آموزان رابطه معنادار وجود دارد. همان طور که مشاهده می شود ضریب همبستگی ($r=0,25$) در سطح ($p=0,01$) معنادار است و

جهت رابطه به صورت مثبت و مستقیم است، یعنی هر چه شیوه‌های آموزش کارآفرینی متنوع‌تر باشد، روحیه کارآفرینانه دانش‌آموزان نیز ارتقاء می‌یابد.

به منظور پاسخدهی به سؤال ششم پژوهش مبنی بر اینکه «آیا بین محیط آموزش کارآفرینی با روحیه کارآفرینانه دانش‌آموزان رابطه معناداری وجود دارد؟» از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد که نتایج حاصل از جدول حاکی از آن است که بین محیط آموزش کارآفرینی با روحیه کارآفرینانه دانش‌آموزان رابطه معنادار وجود دارد. همان‌طور که مشاهده می‌شود ضریب همبستگی ($r=0,23$) در سطح ($p=0,01$) معنادار است و جهت رابطه به صورت مثبت و مستقیم است یعنی هر چه محیط آموزش کارآفرینی بهتر باشد، روحیه کارآفرینانه دانش‌آموزان نیز ارتقاء می‌یابد.

جدول ۴: ضریب همبستگی پیرسون بین آموزش کارآفرینانه معلم با ابعاد روحیه کارآفرینانه دانش‌آموزان

| ابعاد روحیه کارآفرینانه دانش‌آموزان | آموزش کارآفرینانه معلم | احتمال خطا (α) | سطح معناداری (Sig) | نتیجه آزمون |
|-------------------------------------|------------------------|-------------------------|--------------------|---------------------------|
| توفیق طلبی | ۰/۲۸۴ | ٪۱ | ۰/۰۰۰ | فرضیه H_0 رد می‌شود. |
| کانون کنترل درونی | ۰/۲۵ | ٪۱ | ۰/۰۰۰ | فرضیه H_0 رد می‌شود. |
| خطرپذیری | ۰/۱۵۴ | ٪۱ | ۰/۰۰۰ | فرضیه H_0 رد می‌شود. |
| تحمل ابهام | ۰/۰۳۲ | ... | ۰/۳۶ | فرضیه H_0 تأیید می‌شود. |
| سلامت فکری | ۰/۲۸۱ | ٪۱ | ۰/۰۰۰ | فرضیه H_0 رد می‌شود. |
| رویاپردازی | ۰/۰۵۱ | ... | ۰/۲۵ | فرضیه H_0 تأیید می‌شود. |
| عمل‌گرایی | ۰/۱۵۹ | ٪۱ | ۰/۰۰۰ | فرضیه H_0 رد می‌شود. |
| چالش طلبی | ۰/۰۲۲ | ... | ۰/۵۲ | فرضیه H_0 تأیید می‌شود. |

نتایج جدول همبستگی فوق نشان‌دهنده رابطه معنادار بین آموزش کارآفرینانه معلم با ابعاد روحیه کارآفرینانه دانش‌آموزان؛ توفیق طلبی، کانون کنترل درونی، خطرپذیری، سلامت فکری، عمل‌گرایی است. همان‌طور که مشاهده می‌شود ضریب همبستگی بین توفیق طلبی و آموزش کارآفرینانه معلم ($r=0,28$)، کانون کنترل درونی و آموزش کارآفرینانه معلم ($r=0,25$) و خطرپذیری و آموزش کارآفرینانه معلم ($r=0,15$)، سلامت فکری و آموزش کارآفرینانه معلم ($r=0,28$) و عمل‌گرایی و آموزش کارآفرینانه معلم ($r=0,15$) است که همگی در سطح ($p=0,01$) معنادار است و جهت رابطه‌ها به صورت مثبت و مستقیم می‌باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

به منظور تحلیل سؤال اول پژوهش مبنی بر اینکه " آیا بین اهداف آموزش کارآفرینی معلم با روحیه کارآفرینانه دانش‌آموزان رابطه معناداری وجود دارد؟" از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد، که نتایج آزمون نشان می‌دهد، بین اهداف آموزش کارآفرینی معلم با روحیه کارآفرینانه دانش‌آموزان رابطه معنادار وجود ندارد. به عبارت دیگر، می‌توان اذعان داشت که با بهبود و افزایش اهداف آموزش کارآفرینانه معلم، تغییری در روحیه کارآفرینی دانش‌آموزان به وجود نمی‌آید. این یافته با نتایج پژوهش‌های خدمتی توسل (۱۳۷۹)، بدری و همکاران (۱۳۸۳)، کلاتری و همکاران (۱۳۸۳)، شرفی و همکاران (۱۳۹۰) و خشکاپ (۱۳۸۸) همسو نیست مبنی بر اینکه بین اهداف آموزش کارآفرینی با روحیه کارآفرینی فراگیران رابطه وجود دارد.

به منظور تحلیل سؤال دوم پژوهش مبنی بر " آیا بین ضرورت آموزش کارآفرینی با روحیه کارآفرینانه دانش‌آموزان رابطه معناداری وجود دارد؟". از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد، که نتایج حاکی از آن است که بین ضرورت آموزش کارآفرینی با روحیه کارآفرینانه دانش‌آموزان رابطه معناداری وجود دارد. یعنی هر چه ضرورت آموزش کارآفرینی بیش تر باشد روحیه کارآفرینانه دانش‌آموزان نیز ارتقاء می‌یابد.

نتیجه این پژوهش با مطالعات کلارک^۱ (۲۰۱۰) در زمینه اهمیت آموزش کارآفرینی همسو است مبنی بر اینکه به اعتماد به نفس و پرورش خلاقیت افراد مورد تحقیق منجر می‌شد.

به منظور تحلیل سؤال سوم پژوهش مبنی بر " آیا بین ضرورت آموزش کارآفرینی با روحیه کارآفرینانه دانش‌آموزان رابطه معناداری وجود دارد؟" از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد، که نتایج نشان‌دهنده این است که بین ضرورت آموزش کارآفرینی با روحیه کارآفرینانه دانش‌آموزان رابطه معناداری وجود دارد. این یافته با نتیجه مطالعه و پژوهش مطهری (۱۳۸۸) همسو است، او نیز در پژوهش خود در زمینه اهمیت و نقش آموزش معلم در پرورش روحیه کارآفرینانه دانش‌آموزان به این نتیجه رسیده است که باتوجه به اینکه خلاقیت را نمی‌توان با فشار ایجاد کرد، بلکه در سایه تعلیم و تربیت صحیح و آزاد و بهره‌مندی از

1. Clark

معلمان دارای روحیه کارآفرینی می‌توان به این مهم دست یافت.

به منظور تحلیل سؤال چهارم پژوهش مبنی بر " آیا بین محتوای آموزش کارآفرینی با روحیه کارآفرینانه دانش‌آموزان رابطه معناداری وجود دارد؟"، از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد، که نتایج نشان‌دهنده این است که بین محتوای آموزش کارآفرینی معلم با روحیه کارآفرینانه دانش‌آموزان رابطه وجود دارد. به عبارت دیگر هر چه محتوای درسی و آموزشی به زندگی واقعی، خلاقیت پروری و به طور کلی به محتوای کارآفرینی نزدیک‌تر باشد باعث پرورش رفتار و روحیه کارآفرینانه افراد می‌شود.

این نتیجه با مطالعه فاوت و همکاران (۲۰۰۳) در زمینه تأثیر محتوای آموزشی و آموزش کارآفرینانه همسو است که به ادغام آموزش کارآفرینی در برنامه و محتوای درسی موجب غنی‌سازی تجارب یادگیری فراگیران، افزایش ایجاد کسب و کارهای جدید توسط دانش‌آموزان، ارتقاء مهارت‌های شغلی و مدیریت کسب و کار، افزایش ارتباط بین مدارس و صنعت و ایجاد فرصتی برای آموختن و روش‌های تدریس کارآفرینی می‌شود.

به منظور تحلیل سؤال پنجم پژوهش مبنی بر " آیا بین شیوه‌های آموزش کارآفرینی با روحیه کارآفرینانه دانش‌آموزان رابطه معناداری وجود دارد؟"، از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد، که نتایج نشان‌دهنده این است که بین شیوه‌های آموزش کارآفرینی معلم با روحیه کارآفرینانه دانش‌آموزان رابطه وجود دارد. به عبارت دیگر شیوه‌های تدریس معلم اگر عملی، عینی و متمرکز بر کاوشگری باشد باعث بالا رفتن روحیه کارآفرینانه دانش‌آموزان می‌شود.

این یافته با نتیجه پژوهش گولام^۱ (۲۰۰۸) همسو است که به‌کارگیری گروه‌های کوچک، ایفای نقش و کار گروهی را روش مناسبی برای ارائه آموزش کارآفرینانه می‌دانند (گیب، ۲۰۰۵). همچنین با نتایج مطالعه ختایی همسو است که نتیجه گرفت از نظر دانش‌آموزان روش‌های آموزش سخنرانی، بحث گروهی، نمایش خلاقیت و اکتشافی از جمله روش‌های آموزش اثربخش برای آموزش کارآفرینانه هستند، ولی روش‌های آموزش پرسش و پاسخ و ایفای نقش از روش‌های اثربخش برای آموزش کارآفرینانه نیستند (ختایی، ۱۳۸۸).

به منظور تحلیل سؤال ششم پژوهش مبنی بر " آیا بین محیط آموزش کارآفرینی با روحیه کارآفرینانه دانش‌آموزان رابطه معناداری وجود دارد؟"، از آزمون همبستگی پیرسون استفاده

شد، که نتایج نشان‌دهنده این است که بین محیط آموزش کارآفرینی با روحیه کارآفرینانه دانش‌آموزان رابطه وجود دارد. به عبارت دیگر؛ هر چه محیط آموزش کارآفرینی بازتر باشد و فراگیران را به تفکر و خلاقیت مواجه کند، روحیه کارآفرینانه دانش‌آموزان نیز بالاتر می‌رود. دگورگ و فایول (۲۰۰۵) محیط آموزش کارآفرینانه را ویژگی‌های تفویض اختیار - تفویض مسئولیت و مجاز شمردن اشتباه می‌داند، که باعث تحت فشار قرار گرفتن دانش‌آموزان برای مواجه شدن مستقیم با مشکلات و موانع و در نتیجه به خلاقیت و کشف راه‌حل توسط خود (دانش‌آموز) منجر می‌شود، که این مطالعه با نتیجه پژوهش حاضر همسو است. هانون^۱ (۲۰۰۵) نیز معتقد است، در آموزش کارآفرینانه، تعیین جهت ما باید به سمت «انجام دادن» باشد، لذا باید محیطی فراهم شود که یادگیری عملی و تجربی را آسان کند. چون این نوع یادگیری نیاز به خلق فرصت‌ها و محیط‌های یادگیری متفاوتی برای فراگیران است (هانون، ۲۰۰۵).

به منظور تحلیل سؤال هفتم پژوهش مبنی بر " آیا بین دانش‌آموزان بر حسب جنسیت و رشته تحصیلی از نظر روحیه کارآفرینی تفاوت معناداری وجود دارد؟: برای بررسی این سؤال بر اساس آزمون تی تک متغیره به توصیف وضعیت روحیه کارآفرینانه دانش‌آموزان و هر یک از مؤلفه‌های آن اقدام شده است. با توجه به یافته‌های حاصل از آزمون؛ جنسیت بر میزان روحیه کارآفرینی دانش‌آموزان تأثیر دارد و میانگین نمره دانش‌آموزان پسر بیش‌تر از دانش‌آموزان دختر است. به عبارت دیگر، دانش‌آموزان پسر نسبت به دانش‌آموزان دختر دارای روحیه کارآفرینی بالاتری هستند. در تبیین این یافته می‌توان گفت که از طریق آموزش کارآفرینی می‌توان هم دختران و هم پسران کارآفرین را تربیت کرد و جنسیت مانع موفقیت او نمی‌شود، ولی به طور کلی آنچه که از پژوهش به دست آمده این است که روحیه کارآفرینانه پسران نسبت به دختران بالاتر است. این یافته با پژوهش‌های لوسان^۲، ۲۰۰۵ و هانگ^۳، ۲۰۰۳ همسو است.

به طور کلی نتایج پژوهش حاضر بیان‌کننده آن است که آموزش کارآفرینی و تأثیر آن بر

-
1. Hannon
 2. Luthan
 3. Honig

روحیه کارآفرینانه دانش‌آموزان زمانی تأثیرگذار خواهد بود، که به موضوع زیر بنایی یعنی دگرگونی اساسی در نظام آموزشی توجه شود، که بدون توجه به این امر، کارآفرینی در سطح جامعه تحقق نخواهد یافت. نقش معلم در این زمینه حائز اهمیت است؛ چرا که برای توسعه کارآفرینی در یک کشور معلمان باید فعالیت‌ها و روش‌های آموزشی به کار گیرند که باعث رشد و پرورش روحیه کارآفرینی در فراگیران شود. بدین سبب معلمان بایستی خود دارای ویژگی‌ها و روحیه کارآفرینانه باشند تا سبب پرورش روحیه کارآفرینی در فراگیران شوند و این امر می‌سر نمی‌شود تا اینکه نظام خشک بروکراتیکی که در مدارس از دیدگاه معلمان وجود دارد تبدیل به ساختارهای خلاق و کارآفرین شوند.

طبق نتایج به دست آمده، معلمان برای پرورش روحیه خلاقیت، ریسک‌پذیری، اعتماد به نفس، ابتکار، رشد ایده‌های کارآفرینی، انعطاف‌پذیری و دیگر ویژگی‌ها بایستی این روش‌ها را به کار گیرند: استفاده از سؤالات واگرا، انعطاف‌پذیری و احساس امنیت در کلاس درس توسط معلم، استفاده از کلاس درس مذاکره‌ای، استقبال از سؤالات عجیب و غریب و غیر عادی دانش‌آموزان از طرف معلم، به چالش کشیدن افکار دانش‌آموز، استفاده از روش‌های تدریس خلاق. بنابراین، اگر معلمان از روش تدریس مشارکتی در تدریس استفاده کنند؛ زمینه‌ها و پیش‌بایست‌های لازم برای پیشرفت روحیه کارآفرینی در دانش‌آموزان و در یک دیدگاه عمیق‌تر در یک نظام آموزشی کشور را خواهند داشت. با آموزش بیش‌تر معلمان برای افزایش قدرت انتقال مفهوم و بالا بردن تفکرات ذهنی آن‌ها در این زمینه و اصلاحات بیش‌تر در برنامه آموزشی، می‌توان رشد و پرورش ویژگی‌ها و روحیه کارآفرینی در نظام‌های آموزشی را تحقق بخشید.

در پایان می‌توان اذعان داشت؛ کارآفرینی نیازمند وجود زمینه‌هایی برای رشد افکار و خلاقیت در افراد، افزایش شناخت افراد از زمینه‌ها و فرصت‌های رشد اقتصادی و نهایتاً داشتن توانایی‌ها و مهارت‌ها است که این امر در سایه تمهید برنامه‌های آموزشی و زمینه‌سازی مناسب، ممکن می‌شود. بنابراین، این نظام‌های آموزشی هستند که باید ساختاری انعطاف‌پذیر، خلاق و کارآفرین داشته باشند تا بتوانند افراد کارآفرین پرورش دهند و این زمانی تحقق می‌یابد که گرایش نظام آموزشی به سمت عدم تمرکز باشد. همچنین نتایج نشان داد؛ کارآفرینی فرایندی نسبتاً اکتسابی است، بنابراین، معلمان باید روش تدریس مؤثری را به کار گیرند تا

بیش تر بتوانند روحیه کارآفرینی دانش آموزان را پرورش و تقویت کنند. پیشنهادهای ارائه شده در زیر مبتنی بر دو منبع ادبیات مربوطه و یافته‌ها و تجربیات محقق است. این پیشنهادات به ترتیب براساس مؤلفه‌های آموزش کارآفرینی مطرح شده در ادبیات تحقیق ارائه می‌شود.

الف) اهداف آموزش کارآفرینی

۱. پیشنهاد می‌شود برنامه‌های آموزش کارآفرینی باید براساس نیازهای آموزشی و مبتنی بر مدل‌های بومی باشد. این برنامه باید تلفیقی از تجربه، مهارت، دانش و توانایی را برای دانش آموزان به ارمغان آورد.
۲. ضروری سازی برنامه‌های آموزش کارآفرینی مبتنی بر رویکرد خلاقیت پروری تدوین شود و از نگاه تک درسی (آن چیزی که هم اکنون به عنوان کتاب کارآفرینی در دبیرستان‌ها ارائه می‌شود) و با ارائه فصلی تحت عنوان کارآفرینی به رویکرد مبتنی بر دوره و سال‌های تحصیل یا رشته تغییر داده شود.
۳. پیشنهاد می‌شود اهداف آموزش کارآفرینی برای دست اندرکاران، معلمان و دانش آموزان واضح و شفاف باشد و از بیان اهداف کلی و غیر قابل دست‌یابی پرهیز شود.

ب) محتوای آموزش کارآفرینی

- ۱- پیشنهاد می‌شود محتوای آموزش کارآفرینی به گونه‌ای طراحی شود که شناخت افراد را از مسائل اطراف خود بالا برد و قدرت تحلیل مسائل را به گونه‌ای متفاوت با دیگران به دانش آموزان عطا کند. همچنین قدرت تحلیل، ریسک و شناخت فرصت‌ها را در آن‌ها بیش از پیش گسترش دهد.
- ۲- پیشنهاد می‌شود محتوای آموزشی به معرفی فرصت‌های سرمایه‌گذاری در کشور، نیازهای بازار، مشتریان، کارفرمایان و بخش‌های مختلف اقتصادی و خدماتی پردازند و جرعه لازم را برای خلق ایده و تبدیل آن به ارزش در دانش آموزان (کارآفرینان آتی) شعله‌ور کند.

ج) روش‌های آموزش کارآفرینی

۱- همان‌گونه که محققان مختلف از طریق مطالعات و تحقیقات خود نشان داده‌اند، روش‌های سنتی آموزش (روش‌های منفعل) شیوه مناسبی برای تقویت روحیه کارآفرینی و آموزش محتوای کارآفرینی نیست، بنابراین، پیشنهاد می‌شود توجه ویژه به شیوه‌های جدید (روش‌های فعال) از قبیل روش‌های پروژه، شیوه‌های تجربی، عملی، حل مسئله و ... که در تدریس کارآفرینی از ملاحظات اساسی است مدنظر قرار گیرد.

۲- پیشنهاد می‌شود معلمان مدارس به علم و هنر تدریس کارآفرینانه تجهیز شوند.

د) محیط آموزش کارآفرینی

۱- پیشنهاد می‌شود محیط آموزش کارآفرینی منعطف، آرام و به دور از هرگونه محیط استرس‌زا باشد تا دانش‌آموزان بتوانند بدون تشویش خاطر و به صورت آزمون و خطا ریسک کرده و به خلاقیت و ایده‌پردازی اقدام کنند، در نهایت اینکه محیط آموزشی باز و پویا در مدرسه به طور شگفت‌انگیزی در تسریع و تسهیل پرورش و تقویت روحیه کارآفرینی مؤثر است. به همین دلیل پیشنهاد می‌شود مسؤلان ذیربط در فراهم آوردن چنین محیطی‌های کارآفرینانه‌ای همت کنند.

۲- پیشنهاد می‌شود در محیط آموزشی دانش‌آموزان را در امور مدرسه (برنامه‌ریزی برای تعمیر، رنگ‌آمیزی و تغییر فضای مدرسه و ...) شرکت داد تا از این رهگذر هم حس مسئولیت‌پذیری، اعتماد به نفس، استقلال طلبی آن‌ها گسترش یابد و هم محیط آموزشی جذاب و متناسب با سلیقه خود را تجربه کنند.

و) ضرورت آموزش کارآفرینی

۱- با توجه به روند حذف کنکور در سال‌های اخیر و رشد فزاینده فارغ‌التحصیلان دبیرستانی پیشنهاد می‌شود آموزش و تفکر کارآفرینانه با تأکید بر نوع و رشته تحصیلی در نظام آموزشی کشور مدنظر قرار گیرد.

۲- پیشنهاد می‌شود ضمن توجه به تغییر وضعیت آموزش کارآفرینانه از دانشگاه‌ها به مدارس، بیش‌تر به گروه‌های هدف دانش‌آموزان، نوجوانان و جوانان در معرض خطر

توجه شود.

۳- پیشنهاد می‌شود دانش‌آموزان با مبحث کارآفرینی از طرق گوناگون، از جمله آموزش کلاسی، بازدید از بنگاه‌های زود بازده، دعوت کارآفرینان موفق به مدارس و برگزاری کارگاه‌های آموزشی آشنا شوند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

منابع

- ابراهیمی، سعید و محمودی، محمود (۱۳۸۵). دانشگاه‌های کارآفرین و آموزش‌های مورد نیاز کارآفرینان، تهران: اولین همایش ملی مدیریت کارآفرینی. صص ۱۷-۲۱
- احمدپور داریانی، محمود (۱۳۸۷). کارآفرینی: تعاریف، الگوها، نظریات. تهران: پردیس.
- احمدپورداریانی، محمود و عزیزی، محمد (۱۳۸۴). کارآفرینی. تهران: محراب قلم.
- آزاد، ابراهیم (۱۳۸۶). بهبود آموزش در کلاس درس. مجله رشد آموزش فنی و حرفه‌ای، دوره دوم، شماره ۴، صص ۱۹-۱۵.
- ایزدی یزدان آبادی، احمد و فدایی شهاب، معصومه (۱۳۸۹). ضرورت سنجی آموزش و توسعه علمی مهارت‌های کارآفرینی و ارائه الگوی آموزشی مناسب، مجله علوم تربیتی دانشگاه شهید چمران اهواز، دوره ششم، شماره ۱. صص ۱۵۰-۱۲۹.
- بدری، احسان (۱۳۸۴). ارزیابی مرکز کارآفرینی دانشگاه شیراز. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی دانشگاه مشهد.
- بدری، احسان (۱۳۸۸). بررسی قابلیت‌های کارآفرینی. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی دانشگاه مشهد.
- بهزادیان‌نژاد، قربان (۱۳۸۷). ضرورت توجه به کارآفرینی و فناوری‌های پیشرفته، مجموعه مقالات کارآفرینی و فناوری پیشرفته، سال نوزدهم صص ۸۵-۱۰۵.
- حسینی خواه، علی (۱۳۸۷). امکان و ضرورت آموزش کارآفرینی در مدارس، فصلنامه مطالعات برنامه درسی (نشریه علمی-پژوهشی انجمن مطالعات برنامه درسی ایران)، سال سوم، شماره ۱۱، صص ۶۹-۷۶
- حسینی، اعظم السادات (۱۳۸۶). الگوی رشد خلاقیت و کارایی آن در ایجاد مهارت تدریس خلاق در معلمان ابتدایی، فصلنامه نوآوری آموزشی، شماره ۱۵، سال پنجم، صص ۲۰۱-۱۷۷.
- حسینی، اعظم السادات (۱۳۸۷). تأثیر برنامه آموزش خلاقیت بر دانش، نگرش و مهارت (گزارش پژوهشی) سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی درسی وزارت آموزش و پرورش.

ختائی، شادی (۱۳۸۸). بررسی روش‌های آموزش و ارائه روش اثربخش آموزش کارآفرینی برای دانشجویان مدیریت کارآفرینی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده کارآفرینی دانشگاه تهران.

خدمتی توسل، صابر (۱۳۷۹). بررسی زمینه‌های بروز و پرورش کارآفرینی در دبیرستان‌های پسرانه دولتی شهرستان کرج از نظر مدیران، دبیران و دانش‌آموزان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه تهران.

خشکاپ، شهربانو (۱۳۸۸). بررسی رابطه بین ویژگی‌های کارآفرینی مؤسسان مدارس و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دبیرستان‌های غیرانتفاعی دخترانه شهر تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران.

دبیری، عذرا (۱۳۸۶). بررسی روش کلاس داری آموزگار بر پایه جنسیت دانش‌آموزان، اندیشه‌های نوین تربیتی، دوره دوم، شماره ۲، صص ۴۳-۶۹.

شرفی، محمد. مقدم، مینا و مذبوحی، سعید (۱۳۹۰). برنامه درسی آموزش کارآفرینی، ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی، سال اول، شماره ۳، صص ۴-۱۵.

شرفی، محمد. مقدم، مینا و مذبوحی، سعید (۱۳۹۰). برنامه درسی آموزش کارآفرینی، ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی، سال اول، شماره ۳، صص ۴-۱۵.

شفیعی، مسعود و شقایقی، عبدالرضا (۱۳۸۲). افزایش مشارکت مؤثر و رقابتی بخش صنایع کوچک و متوسط، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.

صمد آقایی، جلیل (۱۳۸۵). سازمان‌های کارآفرین. تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی. فرهنگی، عزیزالله و روزیان، غلامرضا (۱۳۸۵). موانع و راهکارهای کارآفرینی در نظام آموزشی عالی، ماهنامه کار و جامعه، شماره ۹۷، صص ۳۴-۳۵.

قلی‌زاده، آذر و یاراحمدی، خدیجه (۱۳۸۸). بررسی مشکلات ارتباطی-عاطفی دانش‌آموزان و معلمان دوره متوسطه از دیدگاه دانش‌آموزان، معلمان و مدیران شهر اهواز ۸۰-۱۳۷۹، فصلنامه دانش و پژوهش، شماره دهم، صص ۷۷-۹۸.

کردی، عبدالرضا (۱۳۸۴). خلاقیت در کلاس درس، رشد آموزش ابتدایی، سال سوم، شماره ۱۱، صص ۱۱-۱۸.

کلانتری، اصغر و پورصفر، کبری (۱۳۸۳). چالش‌های توسعه و آموزش کارآفرینی: نگاهی به نقش ویژگی‌های شخصیتی، تهران: کنفرانس ملی کارآفرینی، خلاقیت و سازمان‌های آینده. صص ۲۲-۳۷.

مرادی، میترا، کوهستانی، حسینعلی و بهرامزاده، حسینعلی (۱۳۸۷). بررسی ویژگی‌های بنیادین کارآفرینی در دانش‌آموزان دوره متوسطه خراسان شمالی و ارائه راهکار جهت تقویت این ویژگی‌ها، پژوهشنامه تربیتی واحد بجنورد، شماره ۱۷، صص ۹-۲۴.

مطهری، محمدرضا (۱۳۸۸). نقش معلم در شکوفایی خلاقیت، معرفت، شماره ۵۰، صص ۸۶-۸۲.

مقیم، سیدمحمد (۱۳۸۴). کارآفرینی در سازمان‌های دولتی، تهران: فراندیش .
 یدالهی، پرویز و میرشکار، سعیده (۱۳۸۸). بررسی اثر بخشی روش‌های آموزش کارآفرینی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.
 یغما، عادل (۱۳۸۹). معلم در برنامه درسی ملی، فصلنامه تکنولوژی آموزشی، شماره ۱، دوره بیست و ششم، صص ۹-۱۶.

- Bennett, R. (2006). Business lecturers' perceptions of the nature of entrepreneurship. *International Journal of Entrepreneurial Behaviour & Research*, 12(3), 165-188.
- Cheng, M. Y., Chan, W. S., & Mahmood, A. (2009). The effectiveness of entrepreneurship education in Malaysia. *Education and Training*, 51(7), 555-566.
- Clark, Rob. (2011). Entrepreneur advantages and disadvantages. <http://ezinearticles.com>. Feb 2.
- Cochran-Smith, M. (2005). The new teacher education: For better or for worse?. *Educational Researcher*, 34(7), 3-17.
- Dabson, B. (2005). Rural policy research institute. Texas entrepreneurship summit, Austin, TX, march 29.
- Darling, J., Gabriellson, M., & Seristö, H. (2007). Enhancing contemporary entrepreneurship: a focus on management leadership. *European Business Review*, 19(1), 4-22.
- Degeorge, J. M., & Fayolle, A. (2005). Is entrepreneurial intention stable through time? First insights from a sample of French students. *International Journal of Entrepreneurship and Small Business*, 5(1), 7-27.
- Faoite, D., Henry, C., Johnston, K., & van der Sijde, P. (2006). Education and training for entrepreneurs: a consideration of initiatives in Ireland and The Netherlands. *Education and Training*, 45(8/9), 430-438.
- Ghulam N, R (2008). Graduate Entrepreneurship: intention, education and Training. *education and Training*, V. 50. Issue. 7 . p: 555-541.

- Ghulam N, R (2008). Graduate Entrepreneurship: intention, education and Training. *education and Training*, V. 50. Issue. 7 . p: 555-541.
- Gibb, A. (2005). *Creating conducive environments for learning and entrepreneurship: living with, dealing with, creating and enjoying uncertainty and complexity*. *Industry and Higher Education*, 16(3), 135-148.
- Guyen, S. (2009). New primary education Course Programmers and entrepreneurship. *Procedia Social and Behavioral Sciences*, (1), pp. 265- 270.
- Hannon, P. D. (2005). The journey from student to entrepreneur': A review of the existing research into graduate entrepreneurship. In *IntEnt Conference Conference Proceedings*.
- Honig, B. (2003). Entrepreneurship education: toward a model of contingency-based business planning. *Academy of Management Learning & Education*, 3(3), 258-273.
- Hunter, S. Johnson, P. (2004). Education Experiences of Habitual Entrepreneurship. *Doctoral Dissertation*, university of the Incarnate word.
- Jacobson, S. (2011). Leadership effects on student achievement and sustained school success. *International Journal of Educational Management*, 25(1), 33-44.
- Luthan, B. & Rentsch, J. (2005). *Managing and culture: A futures perspective*, in J. Hage (Ed), *The future of organizations* (181- 200). Lexington. MA: Lexington Books.
- Wagner, J. (2007). What a difference a Y makes-Female and male nascent entrepreneurs in Germany. *Small Business Economics*, 28(1), 1-21.